

مکتب مولانا محمد امجد

خطبه
غدیر خم

آخرین پیام از آخرین پیامبر

حدیث خطبه رسول خدا ﷺ در غدیر خم
از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)

مقام معظم رهبری دام ظلّه :

آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد- و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته باشند که تبلیغات دشمنان و دستهای دشمنان هم این بینش را در بین مسلمانان در طول سالیان دراز ترویج کرده است- جوابشان مسئله ی غدیر است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر (۱۳۹۳/۷/۲۱)

مشارکتی در حوزه علمیه
دفتر امور فرهنگی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین پیام

از

آخرین پیامبر

حدیث خطبه رسول خدا صلی الله علیه وآله در غدیر خم

از حضرت امام محمد باقر سلام الله علیه



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آخرین پیام از آخرین پیامبر

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: مدیریت برنامه ریزی فرهنگی اجتماعی دفتر امور فرهنگی
معاونت تهذیب حوزه های علمیه،
اداره کل امور دینی و اعزام مبلغ،
مجتمع فرهنگی پژوهشی

مترجم و محقق: اسماعیل حسینیان
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قطع: پالتویی

نوبت چاپ: زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰,۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

سایت معاونت تهذیب (دفتر امور فرهنگی): www.farhangi.tahzib-howzeh.com

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد جنب امامزاده شاه سیدعلی
مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و
اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹

غیرقابل فروش

مقدمه

غدیر، نسخه هدایت و سعادت تمام بشریت است. غدیر یک حادثه نیست یک فرهنگ است. فرهنگ برتری ارزش‌ها و پیروی از فضیلت‌های الهی.

از این رو، شیفتگان غدیر و عاشقان امیر (ع)، برای ترویج و نهادینه شدن این فرهنگ می‌بایست جانانه و عاشقانه به تبلیغ این تکلیف آسمانی پرداخته و ضمن محافظت از پیام و درس غدیر، آن را به گوش همگان برسانند.

برای خدمت به فرهنگ غدیر، که تکلیفی است همگانی، کارهای مختلفی می‌توان انجام داد که در این میان “وقف” برای فرهنگ و پیام غدیر، از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است.

از این رو معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه در راستای ترویج فرهنگ غدیر، اقدام به چاپ و نشر کتاب پیش رو، که دربردارنده حدیث خطبه رسول خدا ﷺ در غدیر خم از حضرت امام محمد باقر (ع) می‌باشد، نموده است. امید است که مورد استفاده مومنین و مبلغین غدیر و یاوران حضرت امیر (ع)، قرار گیرد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه



آخرین پیام از آخرین پیامبر

حدیث خطبه رسول خدا ﷺ در غدیر خم
از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)

[حدیث خطبہ رسول خدا ﷺ در غدیر خم]

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)^١:
 حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْعَالِمُ الْعَابِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ
 الْحُسَيْنِيُّ الْمَرْعَشِيُّ (ع) قَالَ:^٢
 أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيَّ (ع) قَالَ:^٣
 أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ قَالَ:
 أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ قَالَ:
 أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ:
 أَخْبَرَنَا عَلِيُّ السُّورِيُّ^٥ قَالَ:
 أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ^٦ مِنْ وَلَدِ الْأَفْطَسِ وَكَانَ مِنْ عِبَادِ
 اللَّهِ الصَّالِحِينَ قَالَ:
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ:
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ^{١٠} قَالَ:
 حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ^{١١} وَصَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ^{١٢} جَمِيعًا،
 عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ^{١٣}،
 عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ^{١٤}،
 عَنْ مَوْلَانَا الْإِمَامِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (ع)، أَنَّهُ
 قَالَ:

حضرت امام محمد بن علی، باقر العلوم (ع)، فرمود:

[فرمان الهی به ابلاغ فریضه ولایت و حج]

«حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ، وَقَدْ بَلَغَ جَمِيعَ الشَّرَائِعِ قَوْمَهُ غَيْرَ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ،
رسول خدا ﷺ از مدینه عزم حج کردند در حالی که تمام شرایع و قوانین [دین] را غیر از حج و ولایت به قوم خویش ابلاغ فرموده بودند،

فَاتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ:
پس جبرئیل علیه السلام نزد او آمد و گفت: ای محمد! همانا خداوند نامدار بر تو سلام نموده و می فرماید:

إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَلَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَتَأْكِيدِ حُجَّتِي،
همانا من هیچ پیامبری از پیامبرانم و هیچ رسولی از رسولانم را قبض روح نکردم مگر پس از کامل کردن دینم و اثبات حجّتم،
وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَاكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ:

و بر عهده تو از ابلاغ دین دو امر واجب باقی مانده که لازم است آنها را به قومت برسانی:

فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَفَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ وَالْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ،

امر واجب حج و امر واجب ولایت و خلافت پس از تو.

فَإِنِّي لَمْ أَخْلُ أَرْضِي مِنْ حُجَّةٍ وَلَنْ أُخْلِيَهَا أَبَدًا؛
زیرا همانا من، زمینم را خالی از حجت قرار نداده‌ام و هرگز هم
خالی نخواهم گذاشت،

فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تُبَلِّغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ،
پس همانا خداوند والا ستوده تو را مأمور فرموده تا حج را به
قوم خویش تبلیغ کنی،

و تَحَجَّ وَ يَحُجَّ مَعَكَ {مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا} ^{۱۵} مِنْ أَهْلِ
الْحَضَرِ وَالْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ،
و تو و همراهانت از اهل مدینه و اطراف آن و صحرائشینانی
که استطاعت دارند، حج بجا آورید،

و تَعَلَّمَهُمْ مِنْ مَعَالِمِ حَجِّهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ
زَكَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ،
و آموزه‌های حج را همچون نماز و زکات و روزه به ایشان
آموزش دهی.

و تَوْقَفَهُمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مِثَالِ الَّذِي أَوْقَفْتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ
مَا بَلَّغْتَهُمْ مِنَ الشَّرَائِعِ.
و از آموزه‌های آن آگاهشان کن همانطور که بر تمام شریعی که
ابلاغ کردی، آگاهشان نمودی.

فَنَادَى مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي النَّاسِ:

پس منادی رسول خدا ﷺ در میان مردم ندا داد:

أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُرِيدُ الْحَجَّ وَأَنْ يُعَلِّمَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي عَلَّمَكُمْ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكُمْ وَيُوقِفَكُمْ مِنْ ذَاكَ عَلَى مَا أَوْقَفَكُمْ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِهِ.

هشدارید! همانا رسول خدا می خواهد به حج رود و آموزه های آن را به شما تعلیم دهد، همانطور که شرایع دینتان را تعلیم داد و می خواهد شما را از آن آگاه کند، همانطور که بر غیر آن آگاهتان نمود.

فَخَرَجَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَرَجَ مَعَهُ النَّاسُ وَأَصْغَوْا إِلَيْهِ لِيَنْظُرُوا مَا يَصْنَعُ فَيَصْنَعُوا مِثْلَهُ،

پس رسول خدا ﷺ از مدینه خارج شد و همراهش مردم خارج شدند و به سخنان او گوش دادند تا ببینند آنچه را که او انجام می دهد پس مانندش را انجام دهند،

فَحَجَّ بِهِمْ وَبَلَغَ مِنْ حَجِّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ سَبْعِينَ أَلْفَ إِنْسَانٍ أَوْ يَزِيدُونَ عَلَى نَحْوِ عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى السَّبْعِينَ أَلْفَ الَّذِينَ أَخَذَ عَلَيْهِمْ بَيْعَةَ هَارُونَ فَتَكَثَرُوا وَاتَّبَعُوا الْعَجَلَ وَالسَّامِرِيَّ،

پس رسول خدا ﷺ با ایشان اعمال حج را بجا آورد و تعداد کسانی که با رسول خدا از اهل مدینه و اطراف و صحرائشینان آن بودند به هفتاد هزار انسان یا بیشتر رسید، همچون تعداد هفتاد هزار نفر اصحاب موسی ﷺ که از آنها برای هارون بیعت

گرفت، پس آنها بیعت شکستند و از گوساله و سامری پیروی کردند،

وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْعَةَ لِعَلِيٍّ بِالْخِلَافَةِ عَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى فَكَتَبُوا الْبَيْعَةَ وَاتَّبَعُوا الْعِجْلَ وَالسَّامِرِيَّ سُنَّةَ بَسَنَّةٍ وَمِثْلًا بِمِثْلٍ؛

و همچنین رسول خدا ﷺ برای خلافت حضرت امام علی از مسلمانان به تعداد اصحاب حضرت موسی علیه السلام بیعت گرفت پس ایشان هم بیعت شکستند و دنبال گوساله و سامری رفتند، به همان راه و روش و همانند همان؛

وَ اتَّصَلَتِ التَّلْبِيَةُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ،
و تلبیه گویی در فاصله بین مکه و مدینه پیوسته بود،

[نخستین نزول جبرئیل برای ابلاغ ولایت]

فَلَمَّا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ آتَاهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:

پس هنگامی که رسول خدا ﷺ به عرفات رسید، جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند عزوجل نزد او آمد و گفت:

يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ:
ای محمد! همانا خداوند عزوجل به تو سلام نموده و می فرماید:

إِنَّهُ قَدْ دَنَا أَجْلَكَ وَمُدَّتْكَ وَأَنَا مُسْتَقْدِمُكَ عَلَى مَا لَا بُدَّ
مِنْهُ وَلَا عَنْهُ مَحِيصٌ،

به راستی پایان اجل و مهلت تو نزدیک است و من تو را بر
آنچه که از آن گریز و چاره‌ای نیست پیش می‌برم،

فَاعْهَدْ عَهْدَكَ وَقَدِّمْ وَصِيَّتَكَ وَاعْمِدْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ
الْعِلْمِ وَمِيرَاثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَالسَّلَاحِ وَالتَّابُوتِ وَ
جَمِيعِ مَا عِنْدَكَ مِنْ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ،

پس عهده‌ی را که می‌خواهی ببند و وصیت را جلو انداز و به
آنچه که نزد توست از علم و میراث علوم پیامبران گذشته و سلاح
و تابوت (عهد) و تمام نشانه‌های انبیاء توجه کن،

فَسَلِّمُهُ إِلَى وَصِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ
عَلَى خَلْقِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

پس آنها را به جانشینت و خلیفه پس از خودت، حجت بالغه
من بر آفریدگانم، علی بن ابی طالب علیه السلام تسلیم کن،

فَأَقِمُّهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَجَدُّ عَهْدَهُ وَمِيثَاقَهُ وَبَيْعَتَهُ،
پس او را نشانه‌ای برای مردم قرار ده و عهد و میثاق و بیعتش
را تازه کن،

وَذَكِّرْهُمْ مَا أَخَذْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْعَتِي وَمِيثَاقِي الَّذِي وَاثَقْتُهُمْ،
وَعَهْدِي الَّذِي عَاهَدْتُ إِلَيْهِمْ، مِنْ وَلَايَةِ وَلِيِّي وَمَوْلَاهُمْ وَمَوْلَى
كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

و به یاد مردم آور آن بیعت و میثاق و عہدم را کہ از ایشان گرفتم و محکم کردم کہ آن ولایت ولیّ من و مولای ایشان و مولای ہر مرد و زن مؤمن، علی بن ابی طالب (ع) است،

فَإِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِكْمَالِ دِينِي وَ حُجَّتِي وَ اِتِّمَامِ نِعْمَتِي بِوَلَايَةِ أَوْلِيَائِي وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِي،
و همانا من هیچ یک از پیامبران را قبض روح نمی کنم مگر پس از آنکہ دین و حجت خود را کامل کنم و نعمت خود را با ولایت اولیایم و دشمنی با دشمنانم، تمام نمایم؛

وَ ذَلِكَ كَمَالُ تَوْحِيدِي وَ دِينِي وَ اِتِّمَامُ نِعْمَتِي عَلَى خَلْقِي بِاتِّبَاعِ وَلِيِّي وَ طَاعَتِهِ،

و آن به این خاطر است کہ کمال توحید و دینم و کامل شدن نعمتم بر آفریدگانم به پیروی از ولیّم و اطاعت از او بستگی دارد،

وَ ذَلِكَ أَنِّي لَا أَتْرُكُ أَرْضِي بِغَيْرِ وَلِيٍّ وَلَا قِيمٍ لِيَكُونَ حُجَّةً لِي عَلَى خَلْقِي،

زیرا همانا من زمینم را بدون ولیّ و سرپرستی کہ حجت من بر آفریدگانم می باشد، رها نمی کنم،

[اکمال دین و اتمام نعمت]

فَإِذَا الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا { بِوَلَايَةِ وَلِيِّي وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ عَلَى عَبْدِي وَ وَصِيِّ نَبِيِّي وَ الْخَلِيفَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ حُجَّتِي

الْبَالِغَةِ عَلَى خَلْقِي، مَقْرُونُ طَاعَتِهِ بِطَاعَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ، وَ مَقْرُونُ طَاعَتِهِ مَعَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ بِطَاعَتِي؛

پس امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما به نهایت رساندم و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم؛ بواسطه ولایت ولیم و مولای هر مرد و زن مؤمن علی علیه السلام، بنده من و جانشین پیامبر من و خلیفه پس از او و حجت بالغه‌ام که همراه است اطاعتش با اطاعت محمد پیامبرم و همراه است اطاعت هر دو اینان با اطاعت از من؛

مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي؛ جَعَلْتُهُ عِلْمًا بَيْنِي وَبَيْنَ خَلْقِي؛

هر کس او را اطاعت کند حتماً مرا اطاعت کرده، و هر کس او را سرکشی نماید حتماً مرا سرکشی نموده؛ او را نشانه‌ای بین خود و آفریدگانم قرار دادم؛

مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، وَمَنْ أَشْرَكَ بِيَعْتَهُ كَانَ مُشْرِكًا؛

هر کس او را بشناسد مؤمن است و هر کس او را انکار کند کافر است، و هر کس در بیعت با او شریک قرار دهد مشرک است؛

وَمَنْ لَقِينِي بِوِلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَقِينِي بَعْدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ.

و هر کس مرا با ولایت او ملاقات نماید، داخل بهشت شده، و هر کس مرا با دشمنی او ملاقات کند، وارد آتش گردیده است.

فَاقِمِ يَا مُحَمَّدُ! عَلِيًّا عِلْمًا، وَخُذْ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ، وَجَدِّدْ عَهْدِي وَ
مِيثَاقِي لَهُمُ الَّذِي وَانْقَضَتْ عَلَيْهِ، فَإِنِّي قَابِضُكَ إِلَيَّ وَ مُسْتَقْدِمُكَ
عَلَيَّ

پس ای محمد! علی را علامتی قرار ده، و بیعت را از مردم
بگیر، و عهد و میثاق مرا که از آنان گرفتم برایشان تجدید کن،
زیرا همانا من به سوی خود تو را قبض روح می‌کنم و تو را بر
آستان خویش پیش می‌رانم.

فَخَشِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ قَوْمِهِ وَأَهْلِ النَّفَاقِ
وَ الشَّقَاقِ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَرْجِعُوا إِلَى الْجَاهِلِيَّةِ لَمَّا عَرَفَ مِنْ
عَدَاوَتِهِمْ وَ لَمَّا يَنْطَوِي عَلَيْهِ أَنْفُسُهُمْ لِعَلِيٍّ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ؛
پس رسول خدا ﷺ از قومش و منافقین و مخالفین بیم داشت
که پراکنده شوند و به جاهلیت باز گردند، به خاطر شناختی که از
دشمنی آنها داشت و به جهت دشمنی و کینه‌ای که در درون آنها
نسبت به علی پیچیده شده بود؛

وَ سَأَلَ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ، وَ انْتَظَرَ
أَنْ يَأْتِيَهُ جَبْرِئِيلُ بِالْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ عَنِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ، فَأَخَّرَ
ذَلِكَ إِلَيَّ أَنْ بَلَغَ مَسْجِدَ الْخَيْفِ؛

و رسول خدا ﷺ از جبرئیل خواست تا از پروردگارش
بخواهد که از مردم در امان باشد و منتظر ماند تا جبرئیل از جانب
خداوند نامدار، امان از مردم برایش بیاورد، پس رسول خدا
ﷺ آن امر را تا وقتی که به مسجد خیف رسید به تأخیر انداخت؛

[دومین نزول جبرئیل برای ابلاغ ولایت]

فَاتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، فَأَمَرَهُ بِأَنْ يَعْهَدَ عَهْدَهُ وَيُقِيمَ عَلِيًّا عَلَمًا لِلنَّاسِ يَهْتَدُونَ بِهِ، وَلَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالَّذِي أَرَادَ حَتَّى بَلَغَ كِرَاعَ الْغَمِيمِ^{۱۶} بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَاتَاهُ جِبْرِئِيلُ وَأَمَرَهُ بِالَّذِي آتَاهُ فِيهِ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ وَلَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ.

پس جبرئیل علیه السلام در مسجد خیف نزد حضرت آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله را امر کرد: عهدی را که می‌خواهد ببندد و علی را برای مردم نشانه‌ای قرار دهد تا بواسطه او هدایت شوند، در حالی که هنوز آن امان از مردم را که رسول خدا می‌خواست از جانب خداوند بزرگوار نیاورده بود، تا اینکه پیامبر به منطقه «کراع غمیم»^{۱۷} ما بین مکه و مدینه رسید؛ پس جبرئیل به نزد رسول خدا آمد و ایشان را به آنچه که از جانب خداوند آورده بود امر نمود، در حالی که امان را نیاورده بود.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جِبْرِئِيلُ! إِنِّي أَخْشَى قَوْمِي أَنْ يَكْذُبُونِي وَلَا يَقْبَلُوا قَوْلِي فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَرَحَلَ. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! همانا من از اینکه قوم مرا تکذیب کنند و سخن مرا درباره علی علیه السلام نپذیرند، بیم دارم؛ پس حضرت از آن سرزمین حرکت کرد.

[سومین نزول جبرئیل برای ابلاغ ولایت]

فَلَمَّا بَلَغَ «غَدِيرَ خُمٍ»^{۱۸} قَبْلَ الْجُحْفَةِ^{۱۹} بِثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ آتَاهُ

جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى خَمْسِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنَ النَّهَارِ
بِالزَّجْرِ وَالْإِنْتِهَارِ وَالْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ، فَقَالَ:

پس هنگامی که رسول خدا ﷺ به «غدیر خم» که سه میلی
جحفه^{۲۰} بود رسید، جبرئیل (ع) پنج ساعت از روز گذشته با
تحریک و به راه واداشتن و امان از مردم نزد وی آمد و گفت:

يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: {يَا
أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ} ^{۲۱}، فِي عَلِيٍّ، {وَإِنْ لَمْ
تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ} ^{۲۲}.

ای محمد! همانا خداوند عزوجل تو را سلام می کند و
می فرماید: {ای فرستاده! آنچه را که (درباره علی) از جانب
پروردگارت به سوی تو نازل شده، برسان که اگر انجام ندهی
پس رسالتی را که از جانب او داشتی، نرساندی و خداوند تو را
از مردم امان می دهد}.

وَكَانَ أَوَّلُهُمْ قَرِيبٌ مِنَ الْجُحْفَةِ، فَأَمَرَ بَأَنْ يُرَدَّ مَنْ تَقَدَّمَ
مِنْهُمْ وَيُحْبَسَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لِيُقِيمَ عَلِيًّا عَالِمًا
لِلنَّاسِ، وَيُبَلِّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي عَلِيٍّ، وَأَخْبَرَهُ بَأَنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَصَمَهُ مِنَ النَّاسِ.

پیشتر از آن که کاروان به نزدیکی جحفه رسیده بودند، پس حضرت
دستور داد که آنها باز گردند و عقب افتادگان هم در همان مکان
«غدیر خم» نگه داشته شوند تا علی را برای مردم نشانه ای قرار
دهد و آنچه را که خداوند درباره علی نازل نموده و به او خبر داده
که خداوند او را از مردم در امان می دارد، ابلاغ نماید.

[بر فراز غدیر]

فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَا جَاءَتْهُ الْعِصْمَةُ مُنَادِيًا يُنَادِي فِي النَّاسِ بِالصَّلَاةِ جَامِعَةً، وَيُرَدُّ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْهُمْ وَ يُحْبَسُ مَنْ تَأَخَّرَ، وَتَنَحَّى عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ إِلَى جَنْبِ مَسْجِدِ الْغَدِيرِ، أَمْرَهُ بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

پس رسول خدا ﷺ هنگامی که امان برایش آمد به منادی امر نمود، در مردم به نماز جماعت ندا دهد و پیش رفتگان بازگردانده و بازماندگان نگه داشته شوند و خود به راست جاده به سمت «مسجد غدیر» مایل شد که جبرئیل او را از جانب خداوند عزوجل بدین کار امر کرده بود.

وَكَانَ فِي الْمَوْضِعِ سَلَمَاتٌ؛ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُقَمَّ مَا تَحْتَهُنَّ^{۳۲}، وَيُنْصَبَ لَهُ حِجَارَةٌ كَهَيْئَةِ الْمِنْبَرِ لِيُشْرِفَ عَلَى النَّاسِ، فَتَرَا جَعَ النَّاسُ وَ احْتَبَسَ أَوَاخِرُهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لَا يَزَالُونَ،

در کنار غدیر خم درختانی بود؛ پس رسول خدا ﷺ دستور داد که زیر آنها جاروب شود و برای او سنگی به صورت منبر نصب گردد تا بر مردم اشراف داشته باشد، پس در آن مکان مردم باز گشتند و دیگران جمع شدند و همه ماندند.

فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوْقَ تِلْكَ الْأَحْجَارِ، ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

پس رسول خدا ﷺ بر بالای آن سنگ‌ها ایستاد، سپس حمد

خدای متعال نمود و او را ستود، پس فرمود:

[حمد و ثنای الهی]

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]

[به نام خداوند مهر گستر مهربان]

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَ دَنَا فِي تَقَرُّدِهِ،

حمد مخصوص خداوندیست که والا و بلند مرتبه است در یگانگی اش، و نزدیک است در عین تنهایی اش،

وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ،

و در سلطنتش باشکوه، و در ارکان آفرینش بزرگ است،

وَ {أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا} ۲۴ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ،

و علمش به هر چیزی احاطه دارد، در حالی که او در جایگاه خودش است،

وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ؛

و بر تمام آفریدگانش با قدرت و برهانش چیره شده است؛

مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ،

بزرگواری که همواره بوده، و ستوده‌ای که همیشه هست،

بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ ۲۵، وَ دَاحِيَ الْمَدْحُوتَاتِ، وَ جَبَّارَ الْأَرْضِينَ

وَ السَّمَاوَاتِ؛

آفریدگار آسمان‌های برافراشته و پهن کننده زمین‌های گسترده

شده، و حکمران زمین‌ها و آسمان‌ها؛

قُدُوسٌ سُبُوحٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ،

تقدیس شده تسبیح شده، پروردگار فرشتگان و روح،

مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءَةٍ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءٍ،
تفضل کننده بر تمام آفریدگانش و بخشنده بر همه موجوداتش،

يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ،

همه دیده‌گان را می‌بیند در حالی که چشم‌ها او را نمی‌بیند،

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ،

کریم و بردبار و بی‌شتاب است،

قَدْ وَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَتُهُ، وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ،

رحمتش هر چیزی را فرا گرفته، و با نعمت خود بر همه منت

دارد،

لَا يُعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ،

به انتقامش شتاب نمی‌کند، و به سوی آنها که به عذابش

سزاوارند، پیشی نمی‌گیرد،

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَعِلِمَ الضَّمَائِرَ،

نهان‌ها را آگاه، و درون‌ها را داناست،

وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ، وَلَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ،

پوشیده‌ها بر او مخفی نمی‌شود، و مخفی‌ها بر او مشتبه نیست،

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْغَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؛

برای اوست فراگیری به هر چیزی، و چیره‌گی بر هر چیزی، توانایی در هر چیزی، و قدرت بر هر چیزی؛

وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ؛
چیزی مانند او نیست، و او ایجاد کننده شیء است هنگامی که چیزی نبود؛

دَائِمٌ قَائِمٌ {بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}؛^{۲۶}
همیشگی و برپاست {به دادگری، خدایی نیست مگر او که شکست ناپذیر سنجیده کار است}؛

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ {الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ
اللطيفُ الْخَبِيرُ}؛^{۲۷}

با شکوه است از اینکه دریابند او را {دیدگان، و اوست که دیده‌گان را در می‌یابد و او باریک بین آگاه است}؛

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَةٍ؛
هیچکس از دیدار، به وصف او نمی‌رسد؛

وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّوَجَلَّ
عَلَى نَفْسِهِ.

و هیچکس چگونگی‌اش را از نهان و آشکار نمی‌یابد، مگر به آنچه خداوند عزوجل بر خودش راهنمایی کند.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ،

و گواهی می‌دهم همانا او خداوندی است که پاکی‌اش روزگار را پر کرده،

وَالَّذِي يُغَشِّي الْأَبَدَ نُورُهُ،

و آن‌که نورش ابد را پوشانده،

وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلاَ مُشَاوَرَةٍ مُّشِيرٍ،

و آن‌که امرش را بدون مشورت با مشورت دهنده‌ای جاری می‌کند،

وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ، وَلَا تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ؛

و نه با او شریکی در مقدر کردن امور است، و نه از دست دادنی در تدبیر دارد؛

صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلاَ مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ؛

نوآوری‌هایش را بدون هیچ‌الگویی تصویر کرده، و آفریدگانش را بدون یاری دادن کسی و بدون سختی و چاره‌اندیشی آفریده است؛

أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ؛ وَ بَرَّأَهَا فَبَانَتْ، فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

هُوَ^{۲۸}؛

ایجاد کرده، پس پدید آمده؛ و آفریده، پس پدیدار گردیده، پس او خدایی است که نیست معبودی مگر او؛

الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ؛

او که ساختنش دقیق و ساخته‌اش زیباست؛

الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

عدلی که ستم نمی‌کند و بزرگواری که کارها به او باز می‌گردد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ

شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ،

و گواهی می‌دهم همانا او ست کسی که هر چیزی در برابر

قدرتش فروتنی کرده است و هر چیزی در برابر هیبتش کرنش

نموده است،

مَلِكُ الْأَمْلَاكِ، وَ مُفْلِكُ الْأَفْلَاكِ؛

پادشاه فرشتگان و گرداننده افلاک؛

وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، {كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى} ۲۹،

و رام‌کننده مهر و ماه که {هر کدام برای مدت معینی حرکت

می‌کند}،

{يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ ۳۰ وَ يُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ} ۳۱،

{يَطْلُبُهُ حَتِيثًا}.

{شب را بر روز و روز را بر شب می‌پیچاند}، {روز شتابان

شب را دنبال می‌کند}.

قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛

در هم شکننده هر زورگوی ستیزه‌جوی، و نابودکننده هر

شیطان سرکش؛

لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ؛

همراهش مخالف و مانندی نبوده؛

أَحَدٌ صَمَدٌ {لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ} ۳۲.

یکتای بی نیاز که {نه زائیده و نه زاده شده و برایش همتایی نبوده}.

إِلَهُ وَاحِدٌ، وَ رَبُّ مَاجِدٌ،

معبودی یگانه و پروردگاری بزرگوار،

يَشَاءُ فَيُمِضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي،

می خواهد پس اجرا می کند، و اراده می نماید پس حکم می کند،

وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي،

و می داند پس می شمارد و می میراند و زنده می کند،

وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي،

و نیازمند و بی نیاز می گرداند، و خندان و گریان می کند،

وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، {لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ} ۳۳،

و باز می دارد و می دهد، {برای اوست پادشاهی و برای اوست سپاس}،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، {وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ۳۴،

خوبی به دست اوست، {و او بر هر چیزی تواناست}،

{يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ} ٣٥،
 {شب را در روز و روز را در شب داخل می کند}،

{لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ} ٣٦،
 نیست معبودی مگر {او که شکست ناپذیر بسیار آمرزنده
 است}،

مُجِيبُ الدُّعَاءِ، وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ،
 برآورنده دعا، و فراوان دهنده عطا،

مُحْصِي الْأَنْفَاسِ، وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ،
 شمارنده نفس ها، و پروردگار جن و بشر،

لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ،
 چیزی بر او مشکل نمی شود،

وَلَا يُضْجَرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَا يُبْرِمُهُ إِحْاحُ الْمُلْحِحِينَ،
 فریاد دادخواهان او را آزرده نمی کند، و پافشاری اصرار
 کنندگان او را خسته نمی نماید،

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْعَالَمِينَ،
 آن که نگهدارنده است برای شایستگان، و یآوری است برای
 رستگاران، و سرپرستی برای جهانیان است،

الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ،
 او که سزاوار است از هر آفریده اش به سپاس و ستایش شدن،

أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشِدَّةِ وَالرَّخَاءِ،

می ستایم او را بر (هر حالتی): خوشی و ناخوشی و سختی و گشایش،

وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ،

و ایمان می آورم به او و فرشتگانش و کتاب‌ها و فرستادگانش،

أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ،

فرمانش را می شنوم و اطاعت می کنم و به هر آنچه او را خشنود می کند پیشی می گیرم،

وَأَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ،

و گردن می نهم برای حکمش به خاطر میل به اطاعتش و بیم از کیفرش،

لَأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ،

چرا که اوست خداوندی که از نیرنگش ایمنی و از ستمش ترسی نباشد،

[نزول وحی الهی به ابلاغ امر ولایت]

وَأَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ،

و برایش بر خودم به بندگی اش اقرار می کنم، و به پروردگارش گواهی می دهم،

وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحُلَّ بِي مِنْهُ

قَارِعَةً^{۳۷} لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،
و هر آنچه به من وحی نموده را بجا می آورم، مبدا انجام ندهم،
پس عذابی کوبنده از جانب او بر من فرود آید که هیچ کسی
نتواند آن را از من دور کند گرچه نیرنگش بزرگ باشد، معبودی
نیست مگر او،

لَإِنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ
قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ، وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ،
چرا که او برآستی مرا آگاه نمود به اینکه اگر آنچه را به من
نازل کرده ابلاغ نکنم پس رسالتی را که از جانب او داشتم را
ابلاغ نکرده‌ام، و خداوند تبارک و تعالی برایم امان از (شرّ) مردم
را ضمانت کرده و او خداوندی است که کفایت کننده و بزرگوار
است،

فَأَوْحَى إِلَيَّ: {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}، {يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ}^{۳۸}، فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيٍّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، {وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ
اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ}^{۳۹}.

پس خداوند به من وحی نمود: به نام خداوند مهر گستر
مهربان، {ای فرستاده!} درباره علی یعنی درباره خلافتی که برای
علی بن ابی طالب ﷺ است {آنچه را که از جانب پروردگارت
به سوی تو نازل شده، برسان که اگر انجام ندهی پس رسالتی را
که از جانب او داشتی، نرساندی و خداوند تو را از (شرّ) مردم
حفظ می کند}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ:

ای مردم! در تبلیغ آنچه خداوند متعال به من نازل فرمود کوتاهی نکردم، و من برای شما سبب نزول این آیه را بیان می‌کنم:

إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا، يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ السَّلَامُ: أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضَ وَأَسْوَدَ:

همانا جبرئیل علیه السلام سه مرتبه به سوی من فرود آمد و از سوی سلام، پروردگارم که تنها او سلام است، مرا دستور می‌دهد که در این اجتماع بپاخیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،

همانا علی بن ابی طالب علیه السلام برادر و جانشین و خلیفه و امام پس از من است،

الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولُهُ.

کسی که منزلتش نزد من مانند منزلت هارون است نزد موسی، به جز آنکه پیامبری پس از من نیست، و او ولی و صاحب اختیار شما پس از خداوند و رسول خداست.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: وَبِرَاسْتِي خَدَاوَنْد تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِرَ مِنْ بَه هَمِينَ سَبَبَ آيَه‌ای

از کتابش را نازل نمود که:

{إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ} ۴۰

{این است و جز این نیست که ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما، خداوند و رسولش و کسانی که ایمان آورده‌اند هستند، همان کسانی که نماز را بپا می‌دارند و در حالی که ایشان رکوع می‌کنند زکات را می‌دهند}،

وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ، يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

و علی بن ابی طالب ﷺ نماز را بپا داشته و در حالی که رکوع می‌کرده زکات را پرداخته، او خداوند عزوجل را در هر حالی قصد می‌کند.

[شکایت از منافقین]

وَسَأَلْتُ جَبْرَيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ، لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ، وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَإِدْغَالِ الْاِتِّمِينَ، وَخَتْلِ ۴۳ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ:

و من از جبرئیل خواستم که مرا از تبلیغ این مطلب به شما مردم مُعاف کند، چرا که به کمی پرهیزکاران و فزونی منافقین و خیانت و فساد گنهکاران و فریب مسخره کنندگان به اسلام آگاهم، کسانی که خداوند در کتابش آنها را توصیف کرده به اینکه آنها:

{يَقُولُونَ بِاللَّسْتِثَمِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ} ^{۴۳}، وَيَحْسَبُونَهُ {هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ} ^{۴۴}،

{با زبان هایشان می گویند آنچه را که در قلب هایشان نیست}،
و می پندارند آن کار {ساده و سبک است در حالی که نزد خداوند بزرگ است}،

وَكَثْرَةً أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا ^{۴۵} وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ، لِكَثْرَةِ مَلَا زَمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا:

و بارها اذیت فراوان آنها برای من، تا آنجا که مرا گوش نامیدند و گفتند که من این گونه‌ام، زیرا من بسیار با آنها همراهی می کردم و به آنها رو نشان می دادم تا اینکه خداوند عزوجل در این باره آیه قرآنی را نازل نمود که:

{وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ ^{۴۶} عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ {خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ} وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} ^{۴۷}،

{و بعضی از منافقین کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او گوش (زود باور) است، بگو: گوش {بر کسانی که می گویند: او گوش است} برای شما خوب است، او به خداوند ایمان دارد و (سخن) مؤمنان را باور می کند و برای کسانی که از میان شما ایمان آورده‌اند رحمت است، و برای کسانی که رسول خدا را آزار می دهند عذاب دردناکی خواهد بود}،

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ
بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ، وَأَنْ أُدَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي
أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ، وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلَغَ
مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ، ثُمَّ تَلَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

و اگر می خواستم که نام های آنها را ببرم حتماً نام برده بودم، و
اگر می خواستم به خود آنها اشاره کنم بی تردید اشاره کرده بودم،
و اگر می خواستم (مردم را) بر آنها راهنمایی کنم حتماً راهنمایی
کرده بودم، ولی به خداوند سوگند به راستی در کار آنها بزرگواری
کردم، و به هر حال، خداوند از من راضی نمی شود مگر اینکه
آنچه را به من نازل کرده تبلیغ نمایم. سپس رسول خدا ﷺ این
آیه را تلاوت نمود:

[اعلام ولایت امامان علیهم السلام]

{يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ} ^{۴۸} {فِي عَلِيٍّ، وَ
إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ} ^{۴۹}.
{ای فرستاده!} در باره علی {آنچه را که از جانب پروردگارت
به سوی تو نازل شده برسان، که اگر انجام ندهی پس رسالتی را
که از جانب او داشتی، نرساندی و خداوند تو را از (شر) مردم
حفظ می کند}.

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ!

پس بدانید ای مردم!

أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى

الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْبَادِي
وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ
وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ،

همانا خداوند او را منصوب کرده برای شما سرپرست و امامی
که اطاعتش بر مهاجرین و انصار و بر پیروانشان در نیکی و بر
صحرانشینان و شهرنشینان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و
کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه واجب است،

وَعَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَائِزَ قَوْلُهُ، نَافِذَ أَمْرُهُ.
و بر هر خداپرستی حکمش جاری و گفته‌اش بی‌مشکل و
دستورش نافذ است.

مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ،
هر کس با او مخالفت کند لعنت شده است، هر کس از او
پیروی نماید رحمت شده است، هر کس او را تصدیق کند ایمان
آورده است،

فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.
پس به راستی خداوند برای او و برای کسی که از او بشنود و
برای او اطاعت کند، آمرزنده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقَوْمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ،
ای مردم! همانا آخرین جای است که در این اجتماع بپا
می‌خیزم،

فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ،

پس گوش فرا دهید و اطاعت کنید و برای امر پروردگارتان فرمانبردار باشید،

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ،

زیرا خداوند عزوجل سرپرست (صاحب اختیار) و معبود شماست،

ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ،

سپس بعد از او محمد سرپرست (صاحب اختیار) شماست که اکنون ایستاده و برای شما خطبه می خواند،

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ،

سپس به دستور پروردگارتان پس از من، علی سرپرست (صاحب اختیار) و امام شماست،

ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ،

سپس امامت در نسل من از فرزندان علی تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، قرار می گیرد،

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ،

حلال نیست مگر آنچه خداوند آن را حلال نموده و حرام نیست مگر آنچه خداوند آن را حرام کرده است،

عَرَفْنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَ أَنَا أَفْضَيْتُ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ

كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

خداوند حلال و حرام را به من شناساند و من هر آنچه

پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته را به
علی رساندم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ،
ای مردم! هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند در من جمع
نموده است،

وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،
و هر علمی را که آموختم پس به راستی آن را در امام
پرهیزکاران جمع نمودم،

وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.^{۵۰}
و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی آموختم و او همان
امام روشنگر است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَفِرُّوا مِنْهُ،
ای مردم! از علی دور نشوید و نگریزید،

وَلَا تَسْتَكْبِرُوا [وَلَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وَلَايَتِهِ،
و از ولایتش گردن کشی (سریچی) نکنید،

فَهُوَ الَّذِي {يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ} ^{۵۱} وَيَعْمَلُ بِهِ،
پس اوست که {به سوی حق هدایت می‌کند} و به حق عمل
می‌نماید،

وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،
و باطل را نابود می‌کند و از آن نهی می‌نماید و در (راه) خدا

هرگز نکوهش نکوهش گران او را باز نمی دارد،

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ،

سپس همانا اوست اول کسی که به خداوند و رسولش ایمان آورد،

وَهُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ،

و اوست کسی که جانش را فدای رسول خدا نمود،

وَهُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ،

و اوست کسی که همیشه همراه رسول خدا بود،

وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

و هیچ مردی غیر از او همراه رسول خدا به عبادت خداوند نپرداخت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

ای مردم! او را برتری دهید که به راستی خداوند او را برتری داده، و بپذیرید که به راستی خداوند او را منصوب فرموده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ،

ای مردم! همانا او امامی است از جانب خداوند،

وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ

حَتَّمَا

و هرگز خداوند توبه کسی را که ولایت او را انکار کند

نمی پذیرد و حتماً هرگز خداوند او را نمی آمرزد،

عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ،
این بر عهده خداوند است که نسبت به هر کس که با فرمانش
در این مورد مخالفت کند، چنین رفتار فرماید،

وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ،
و اینکه آن را به عذابی شدید، ناشناخته، تا ابدیت و تا آخر
روزگار عذاب کند،

فَاخْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلَوْا نَارًا {وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ
أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ} ^{۵۲}.

پس دوری کنید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی
شوید که {هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده
شده است}.

أَيُّهَا النَّاسُ! بِي وَاللَّهِ بُشِّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَ
أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ،

ای مردم! به خدا سوگند، پیامبران و رسولان پیشین به (بعثت)
من بشارت داده شده‌اند، و من خاتم پیامبران و فرستادگان و
حجت بر تمام آفریدگان از اهل آسمان‌ها و زمین‌ها هستم،

فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ [الْجَاهِلِيَّةِ] الْأُولَى،
پس هر کس در آن شک کند او کافر است به کفر جاهلیت

نخستین،

وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ،
وَالشَّكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ.

و کسی که در چیزی از این سخن من شک کند پس به راستی در تمام سخنان من شک کرده و برای شک کننده در آن، آتش است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حَبَّانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى، وَإِحْسَانًا
مِنْهُ إِلَيَّ وَ {لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ} ^{۵۳} مِنْنِي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ
الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

ای مردم! خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که مننی از او بر من و احسانی از جانب او به سوی من است و نیست معبودی مگر او، برای اوست حمد و سپاس { از من تا ابدیت و تا آخر روزگار، در هر حال.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضُّلُوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ
وَأَنْتِي،

ای مردم! علی را برتری دهید زیرا او برترین مردم پس از من از مرد و زن است،

بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ،

بواسطه ما خداوند روزی را نازل می کند و آفریدگان ادامه می یابند،

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ
لَمْ يُوَافِقْهُ.

نفرین شده است، نفرین شده است، مورد خشم است، مورد خشم است کسی که این سخن مرا نپذیرد و همراهی نکند.

اَلَا! اِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَرَنِي عَنِ اللّٰهِ تَعَالٰی بِذٰلِكَ وَيَقُوْلُ:
هشدارید! همانا جبرئیل از جانب خداوند متعال مرا به آن خبر داد و می گوید:

مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهْ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي، فَ {لَتَنْظُرُ
نَفْسٌ مَا قَدَمَتْ لِعَدُوِّهِ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ} ^{۵۴} اَنْ تُخَالِفُوهُ، {فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ
ثُبُوتِهَا} ^{۵۵}، {اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ} ^{۵۶}.

هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد پس نفرین و خشم من بر او باد، پس {هر فرد ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است و از خداوند بترسید} که با علی مخالفت کنید {در نتیجه بلغزد قدمی پس از ثابت قدمی}، {همانا خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! اِنَّهُ جَنْبُ اللّٰهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالٰی:
ای مردم! همانا علی «جنب الله» است که خداوند متعال در کتابش یاد کرده و فرموده:

{اَنْ تَقُوْلَ نَفْسُ يٰ حَسْرَتِيْ عَلٰی مَا فَرَّطْتُ فِيْ جَنْبِ اللّٰهِ} ^{۵۷}.
{اینکه کسی بگوید: ای افسوس بر من، بر آنچه در کنار خداست کوتاهی کردم}.

[هر که من مولای اویم این علی مولای اوست]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

ای مردم! قرآن را دریابید و آیاتش را بفهمید و به محکمت آیات نظر کنید و به دنبال متشابهات نروید،

فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ، وَ لَا يُوضِّحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلُ بَعْضِهِ وَ مُعَلِّمُكُمْ أَن:

پس به خداوند سوگند، هرگز برای شما شگفتی های قرآن را بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی نماید مگر کسی که من دستش را گرفته ام و به سوی خود بالا آورده ام و بازویش را بلند می کنم و به شما اعلام می نمایم که:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»،

«هر کس من مولا (سرپرست و صاحب اختیار) اویم پس این علی مولای اوست»،

وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَ وَصِيِّ،
و او علی بن ابی طالب (علیه السلام) برادر و جانشین من است،

وَ مَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

و ولایت او از جانب خداوند عزوجل بر من نازل گردیده است.

[قرآن و عترت]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ
وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ،

ای مردم! همانا علی و پاکان از فرزندان من، ثقل اصغرند و
قرآن ثقل اکبر است،

فَكُلُّ وَاحِدٍ مِّنْبِيٍّ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا
عَلَى الْحَوْضِ،

پس هر کدام (قرآن و عترت) از همراهش خبر می دهد و با او
سازگار است، هرگز آن دو از هم جدا شدنی نیستند تا اینکه کنار
حوض (کوثر) بر من وارد شوند،

هُمُ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.
ایشان امینان خداوند در میان آفریدگانش و حاکمان او در
زمینش هستند.

أَلَا! وَ قَدْ أَدَّيْتُ.

هشدارید! که به راستی من ادا نمودم.

أَلَا! وَ قَدْ بَلَّغْتُ.

هشدارید! که به راستی من تبلیغ کردم.

أَلَا! وَ قَدْ أَسْمَعْتُ.

هشدارید! که به راستی من شنواندم.

أَلَا! وَقَدْ أَوْضَحْتُ .

هشدارید! که به راستی من روشن کردم.

أَلَا! وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

هشدارید! که خداوند عزوجل فرمود و من از جانب خداوند عزوجل گفتم.

[علی تنها امیر المؤمنین است]

أَلَا! إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَلَا تَحِلُّ امْرَأَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ؛

هشدارید! همانا امیرمؤمنان غیر از این برادرم نیست، و امیرمؤمنان بودن پس از من برای کسی غیر از علی حلال نیست؛

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عِصْدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَالٍ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ثُمَّ قَالَ:

سپس رسول خدا ﷺ با دستش به بازوی علی زد و بازوی او را بلند نمود درحالی که از ابتدایی که رسول خدا بالای منبر رفته بود علی را بالا برده بود تا آنجا که پای علی هم ردیف زانوی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت، سپس حضرت فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلَيَّ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَاعِي عِلْمِي،
ای مردم! این علی برادر و جانشین و نگهدار دانش من است،

وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ
الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَ الْمُوَالِي
عَلَى طَاعَتِهِ، وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ،

و خلیفه من بر ائمتم و بر تفسیر کتاب خداوند عزوجل است، و
دعوت کننده به او، و عمل کننده به آنچه که او را خشنود می کند،
و جنگ کننده با دشمنان او، و سرپرست بر اطاعت او، و باز
دارنده از معصیت او می باشد،

خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْإِمَامُ الْهَادِي،
(او) خلیفه رسول خدا و امیر مؤمنان و امام هدایتگر است،

وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ.
و (او) کشنده پیمان شکنان (اهل جمل) و ستمگران (اهل
صفین) و بیرون رفتگان از دین (خوارج نهروان) است.

بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ: { مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ }^{۵۸}، بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ:
به دستور خداوند می گویم و این {سخن نزد من دگرگون
نمی شود}، به فرمان پروردگارم می گویم:

[دعای رسول خدا ﷺ]

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ،

خداوند! دوستدار کسی را که او را دوست بدارد، و دشمنی کن با کسی که او را دشمن بدارد،

وَالْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَاغْضَبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

و نفرین کن کسی را که او را انکار کند، و خشم گیر بر کسی که حق او را (با علم به آن) انکار کرده است.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَ نَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا^{۵۹}، فَقُلْتُ: {وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} ^{۶۰}.

خداوند! همانا تو بر من نازل کردی که امامت پس از من برای ولی تو، علی است، هنگامی که روشن کردم امامتش را و منصوب کردم او را به ولایتی که تو با آن دین بندگان را کامل کردی و نعمت خود را بر ایشان نهایت بخشیدی و به اسلام به عنوان دینشان راضی شدی پس فرمودی:

{و هر کس دینی غیر از اسلام بجوید از او قبول نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است}.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

خداوند! همانا من تو را گواهی می دهم و گواهی تو کافی

است که همانا من به راستی تبلیغ نمودم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ،
ای مردم! این است و جز این نیست که خداوند عزوجل دین
شما را با امامت علی کامل نمود،

فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَ {أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ
أَعْمَالُهُمْ} ^{۶۱} وَفِي {النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ} ^{۶۲}، {لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ
الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ} ^{۶۳}.

پس کسی که به او و جانشینان او از فرزندان من که از نسل
او هستند اقتدا نکند تا روز قیامت و روز عرضه کردن اعمال بر
خداوند عزوجل، {چنین کسانی اعمالشان از بین رفته} و در
{آتش همیشگی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به
آنها مهلت داده نمی شود}.

[قرآن و علی]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ
إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ،

ای مردم! این علی است که یاورترین شما برای من و
سزاوارترین شما به من و نزدیکترین شما به من و عزیزترین
شما نزد من است،

وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ، وَمَا نَزَلَتْ آيَةُ رِضَى إِلَّا

فیه،

خداوند عزوجل و من از او راضی هستیم، و هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده مگر درباره او،

وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ {الَّذِينَ آمَنُوا} إِلَّا بَدَأَ بِهِ،

و هیچگاه خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است،

وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ،

و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او،

وَلَا شَهِدَ بِالْجَنَّةِ فِي {هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ} ^{۴۴} إِلَّا لَهُ وَلَا

أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

و خداوند در سوره «انسان» شهادت به بهشت نداده مگر برای او، و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح ننموده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ، وَ الْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ،

ای مردم! او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خداست،

وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ؛

و اوست پرهیزکار پاکیزه هدایت کننده هدایت شده؛

نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او

بهترین اوصیاء هستند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

ای مردم! نسل هر پیامبری از پشت خودش است و نسل من از پشت علی است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَ أَقْدَامُكُمْ،

ای مردم! همانا ابلیس آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد، پس به علی حسادت نورزید زیرا اعمالتان از بین می رود و قدم هایتان می لغزد،

فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لَخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ كَيْفَ بَكُمْ؟ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

آدم به خاطر یک اشتباه به زمین فرستاده شد در حالی که برگزیده خداوند عزوجل بود و شما چگونه اید؟ در حالی که شما شما هستید و در بین شما دشمنان خدا هستند،

إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَ لَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ،

همانا کینه نمی ورزد علی را مگر بدبخت، و ولایتش را نمی پذیرد مگر پرهیزکار، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن خالص،

وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ،

و به خداوند سوگند درباره علی سوره «و العصر» نازل شد:

{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)؛ وَالْعَصْرِ (۲)؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۳)؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۴)}.

{به نام خداوند مهر گستر مهربان، سوگند به زمانه، همانا انسان هر آینه در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته انجام دهند و یکدیگر را سفارش به حق و سفارش به صبر نمایند}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي {وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ} ۶۵.

ای مردم! برآستی که من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، {و نیست بر عهده رسول مگر ابلاغ روشنگر}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! {اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ} ۶۶.

ای مردم! {از خدا پروا کنید، پروایی حقیقی و نمیرید مگر در حالی که شما مسلمانید}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! {آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي} ۶۷ {أُنْزِلَ مَعَهُ} ۶۸ {مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا} ۶۹.

ای مردم! به خداوند و رسول او و نوری که با او نازل شده است ایمان بیاورید {قبل از آنکه چهره‌ها را محو کنیم پس آن را

به پشت برگردانیم}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْلُوكٍ، ثُمَّ فِي عَلَيٍّ

ای مردم! آن نور از جانب خداوند عزوجل در من سپس در علی نهاده شده،

ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا،

سپس در نسل علی تا قیام کننده مهدی ای که حق خدا و هر حقی که برای ما باشد را می گیرد، نهاده شده است،

لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقَصِّرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالَفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَتَمِينَ وَالظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ. زیرا خداوند عزوجل برآستی ما را حجت بر کوتاهی کنندگان عمدی و ستیزه جویان و مخالفان و خیانت ورزان و گنهکاران و ستمگران از تمام جهانیان قرار داده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلَ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ {انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ} ۷۰.

ای مردم! هشدارتان می دهم، همانا من رسول خدایم که پیش از من رسولانی بوده اند، آیا اگر بمیرم یا کشته شوم {شما برگزیده های خود بازگشته؟ در حالی که کسی که به گذشته اش برگردد پس هرگز چیزی به خداوند زیان نمی رساند و خداوند

سپاسگزاران را پاداش خواهد داد}.

أَلَا! وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ
وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ.

هشدارید! که همانا علی به شکیبایی و سپاسگزاری توصیف
شده و پس از او فرزندان من از نسل او چنین اند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمْنُوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ
يُصِيبَكُمْ {بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ} ^{۷۱} إِنَّهُ {لَبِالْمَرْصَادِ} ^{۷۲}.

ای مردم! با اسلامتان بر خداوند منت نگذارید که او بر شما
خشم می گیرد و شما را دچار {عذابی از جانب خودش} می کند،
زیرا او {در کمین گاه است}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ {يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ
وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ} ^{۷۳}.

ای مردم! همانا پس از من پیشوایانی {به آتش فرا می خوانند و
در روز قیامت یاری نمی شوند}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ وَآنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ.
ای مردم! همانا خداوند و من از آنها بیزاریم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَانْصَارُهُمْ وَاتَّبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ {فِي
الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ} ^{۷۴} وَ {لَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ} ^{۷۵}.

ای مردم! همانا آنها و یارانشان و پیروانشان و شیعیانشان {در
پست ترین طبقه از دوزخند} و {خود بزرگ بینان را جایگاه بسیار
بدی است}.

[اصحاب صحیفه]

أَلَا! إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ،
هشدارید! همانا آنها یاران «صحیفه» اند پس باید هر کدامتان در
صحیفه‌اش نظر کند،

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ
الصَّحِيفَةِ

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: پس قضیه صحیفه از
خاطر مردم مگر اندکی از آنها رفته بود.^{۷۶}

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ،

ای مردم! همانا من امامت و وراثت را در نسلم تا روز قیامت
به امانت می‌گذارم،

وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ،
وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ،

و براستی من ابلاغ کردم آنچه مأمور شده بودم به تبلیغش، که
حجت باشد بر هر حاضر و غائبی و هر کسی که شاهد بود یا
شاهد نبود، به دنیا آمده بود یا متولد نشده بود،

فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ
سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتَصَبَاءً.

پس حاضر به غایب و پدر به فرزند تا روز قیامت تبلیغ کند و

در آینده (امامت) را غصب نموده و چون سلطنت قرار می دهند.

أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُغْتَصِبِينَ،

هشدارید! خداوند غاصبان و چپاول گران را نفرین نموده،

وَ عِنْدَهَا {سَنَفَرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ التَّقْلَانِ} ^{۷۷}، فَ {يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ} ^{۷۸}.

که در آن هنگام {ای انسان و جنّ به حساب شما می پردازیم} پس {بر شما شراره هایی از آتش و مس گداخته فرستاده می شود و یآوری نمی یابید}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ {عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ} ^{۷۹}.

ای مردم! همان خداوند عزوجل شما را رها نمی کند {بر آنچه هستید تا اینکه پلید را از پاک سرشت جدا کند و خدا هیچ وقت شما را بر غیب آگاه نمی کند}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، وَ كَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقَرْيَ {وَهِيَ ظَالِمَةٌ} ^{۸۰} كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى،
ای مردم! همانا آبادی ای نیست مگر آنکه خداوند ویران کننده اش است بخاطر تکذیبشان، و همچنین آبادی ای {که ستمگرند} را نابود می کند همانطور که خداوند (در قرآن) از آن یاد کرده است؛

و هَذَا عَلَى إِمَامِكُمْ وَلِيِّكُمْ وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ.

و این علی امام شما و سرپرست شماست و اوست وعده‌های خداوند و خدا آنچه را وعده داده تصدیق می‌کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلُكُمْ {أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ} ^{۸۱}، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ؛

ای مردم! برآستی که قبل از شما {بیشتر پیشینیان} گمراه شده و خداوندی که هر آینه پیشینیان را نابود کرد هم او نابود کننده دیگران است؛

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ؛ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ؛ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ؛ وَيُلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ} ^{۸۲}.

خداوند متعال می‌فرماید: {آیا پیشینیان را نابود نکرده‌ایم؛ سپس دیگران را به دنبال آنها نمی‌فرستیم؛ بازه کاران چنین می‌کنیم؛ وای در آن هنگام برای تکذیب کنندگان}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي،
ای مردم! همانا خداوند مرا امر کرد و باز داشت،

وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ،
و من علی را امر کردم و بازداشتتم، پس علی امر و نهی را از جانب پروردگارش عزوجل دانسته است،

فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ

تَرشُدُوا،

پس برای دستورش گوش فرا دهید تا سالم بمانید، و اطاعتش کنید تا هدایت شوید، و برای بازداشتنش خود را باز دارید تا ارشاد شوید،

وَ صَيِّرُوا إِلَىٰ مُرَادِهِ، وَلَا تَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ^{۸۳}.
و به سوی خواست او دگرگون شوید، و راه‌های دیگر شما را از راه او پراکنده نکند.

[صراط مستقیم]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ،
ای مردم! من صراط پایدار خداوند هستم که او شما را به پیروی از آن فرمان داده،

ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي،
و پس از من علی است،

ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ {وَبِهِ يَعْدِلُونَ}^{۸۴}.
سپس فرزندان من از نسل علی، امامانی که به حق هدایت می‌کنند {و به حق دادگری می‌نمایند}.

ثُمَّ قَرَأَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

سپس رسول خدا ﷺ سوره فاتحه را خواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)
به نام خداوند مهر گستر مهربان،

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است،

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۳)

مهر گستر مهربان،

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

صاحب و فرمانروای روز جزا،

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

فقط تو را بندگی می کنیم و تنها تو را کمک می گیریم،

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)

ما را به صراط پایدار هدایت فرما،

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ (۷)

صراط کسانی که بر ایشان نعمت دادی نه کسانی که بر آنها

خشم گرفته شده و نه کسانی که گمراهند،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خُصَّتْ،

و رسول خدا ﷺ فرمود: این سوره درباره من و ایشان (امامان

پس از من) نازل شده و برای ایشان فرا گیری دارد و تنها ویژه

ایشان است،

أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ {اللَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} ^{۸۵}.

آنان دوستان {خدایند که نه ترسی بر ایشان است و نه ایشان
اندهگین می شوند}.

[دوستان و دشمنان علی]

أَلَا إِنَّ {حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ} ^{۸۶}.
هشدارید! همانا {حزب خداوند چیره گانند}.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَالْحَادُونَ،
هشدارید! همانا دشمنان علی اهل مخالفت و نفاق ۷۸ و ستیزه
جویی هستند،

وَهُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ {يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى
بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا} ^{۸۸}.
و آنها تجاوزگران و برادران شیاطینند، کسانی که {بعضی شان
به بعضی (دیگر) سخن آراسته را (به صورت) فریب وحی
می کند}.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ هُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ:
هشدارید! همانا دوستان اهل بیت کسانی هستند که خداوند
آنها را در کتابش یاد کرده پس خداوند عزوجل فرموده:

{لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ
اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ
عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بِرُوحِ

مِنْهُ، وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ، أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} ٨٩

{نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند که با کسانی که با خدا و رسولش ستیز دارند دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده و خداوند آنان را با روحی از خود تأیید فرموده،

و ایشان را به بهشتی وارد می کند که از پایین آن نهرها جاری است و در آن جاودانه اند،

خدا از آنان راضی است و آنان از خدا راضی هستند،

انان حزب خداوند هستند. هشدارید! که همانا حزب خدا رستگاراند}.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَقَالَ:

هشدارید! همانا دوستان اهل بیت کسانی هستند که خداوند عزوجل توصیفشان کرده پس فرموده:

{الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا^{٩٠} إِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ} ٩١.

{کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ستم نبوشانده اند، آنان که برایشان امان است و آنان هدایت یافتگانند}.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَقَالَ:

هشدارید! همانا دوستان اهل بیت کسانی هستند که خداوند عزوجل توصیفشان کرده پس فرموده:

الَّذِينَ {يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ} ^{۹۲} آمِنِينَ، {تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ} ^{۹۳} بِالتَّسْلِيمِ أَنْ {طَبَّتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ} ^{۹۴}.

کسانی که {داخل بهشت می شوند} در امن و امان، {فرشتگان ایشان را دیدار می کنند} با سلام و اینکه (می گویند): پاکیزه شدید پس جاودانه داخل بهشت شوید.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

هشدارید! همانا دوستان اهل بیت کسانی هستند که خداوند عزوجل برایشان فرمود:

{يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ} ^{۹۵} {بِغَيْرِ حِسَابٍ} ^{۹۶}.
{داخل بهشت می شوند} {بدون حسابرسی}.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ يَصْلَوْنَ سَعِيرًا ^{۹۷}.

هشدارید! همانا دشمنان اهل بیت به آتش افروخته در آیند.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ {شَهيقاً وَهَي تَفُورُ} ^{۹۸} وَلَهَا زَفِيرٌ ^{۹۹}.

هشدارید! همانا دشمنان اهل بیت کسانی هستند که برای {صدای وحشتناک و در حال جوشش} دوزخ، گوش فرا می دهند و برای دوزخ فریادی است.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ فِيهِمْ:

هشدارید! همانا دشمنان اهل بیت کسانی هستند که خدا درباره آنها فرموده:

{كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَ كُوفِيهَا جَمِيعًا،
قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا
مِّنَ النَّارِ، قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ} ۱۰۰.

{هر امتی که به آتش داخل شود امت هم کیش خود را لعنت کند. تا هنگامی که همگی در آنجا همدیگر را دریابند، گروه پسین (پیروان) برای گروه پیشین (پیشوایان) گویند:

پروردگارا، آنها ما را گمراه کردند پس عذاب دو چندانی از آتش به ایشان بده،

گویند: برای همه دو چندان است ولی شما نمی دانید}.

الَّا! إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

هشدارید! همانا دشمنان اهل بیت کسانی هستند که خداوند عزوجل فرموده:

{كُلَّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا: أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ؟ قَالُوا:
بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا: مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ، إِنْ أَنْتُمْ
إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ} ۱۰۱.

{هرگاه گروهی را در جهنم می اندازند نگاهبانان دوزخ از آنها می پرسند: آیا هشدار دهنده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما هشدار دهنده آمد، پس ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و نیستید شما مگر در

گمراهی بزرگ}.

أَلَا! إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ {الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ} ۱۰۲.

هشدارید! همانا دوستان اهل بیت {کسانی هستند که از پروردگارشان به نهان می ترسند، برای ایشان آمرزش است و پاداشی بزرگ}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ،
ای مردم! فاصله بسیاری است میان شعله های آتش و بهشت،

عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلِيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ،
دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش و نفرین می کند،
و دوست ما کسی است که خداوند او را ستوده و دوستش دارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا! وَإِنِّي {مُنْذِرٌ} ۱۰۳ وَ عَلِيٌّ {هَادٍ} ۱۰۴.
ای مردم! هشدارید! و همانا من {هشدار دهنده} و علی {هدایت گر} است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ.
ای مردم! همانا من پیامبرم و علی جانشین من است.

[اعلام ولایت حضرت مهدی (عج)]

أَلَا! إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا «الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ».
هشدارید! همانا آخرین امامان «مهدی قائم» از ماست.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

هشدارید! همانا او چیره بر ادیان است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

هشدارید! همانا او انتقام گیرنده از ستمگران است.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا.

هشدارید! همانا او گشاینده و نابود کننده دژهاست.

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ.

هشدارید! همانا او کشنده هر قبیله از مشرکین است.

أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بَكْلِ تَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

هشدارید! همانا او گیرنده انتقام هر خونی از دوستان خداست.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

هشدارید! همانا او یاور برای دین خداست.

أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ^{۱۰۵} فِي بَحْرِ عَمِيقٍ.

هشدارید! همانا او در دریای ژرف، فراوان دست یافته به آب

است.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ^{۱۰۶} كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

هشدارید! همانا او هر صاحب ارزشی را به ارزشش و هر

صاحب جهلی را به جهلش نشانه می گذارد.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ.

هشدارید! همانا اوست برگزیده خداوند و منتخب او.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ.

هشدارید! همانا او وارث هر علم و احاطه دارنده به هر دانشی است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُنْبِئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ.

هشدارید! همانا اوست خبر دهنده از جانب پروردگارش و آگاه کننده به موضوع ایمان به خداست.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.

هشدارید! همانا اوست راهنمای استوار.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفْوضُ إِلَيْهِ.

هشدارید! همانا او ست واگذار شده به او.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

هشدارید! همانا اوست که گذشتگان به او بشارت داده شده اند.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

هشدارید! همانا اوست حجت باز مانده و پس از او حجتی نیست و حقیقتی نیست مگر با او و نوری نیست مگر نزد او.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

هشدارید! همانا نه برایش چیره شونده ای هست و نه بر ضدش یاری شده ای.

أَلَا! وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَآمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

هشدارید! و همانا او ولی خداوند در زمین و حاکم او در آفریدگان و امین او در نهان و آشکارش است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي.

ای مردم! برآستی که برایتان روشن نمودم و شما را فهماندم و این علی پس از من شما را می فهماند.

أَلَا! وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي^{۱۰۷} عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

هشدارید! و همانا من در پایان خطبه ام شما را به دست نهادن در دستم بر بیعت علی و اقرار به او و پس از خودم به دست نهادن در دست علی فرا می خوانم.

أَلَا! وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ {فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتُهُ أَجْرًا عَظِيمًا}^{۱۰۸}.

هشدارید! و همانا من با خداوند بیعت کردم و علی با من بیعت نمود و من از شما برای او از جانب خداوند عزوجل بیعت می گیرم {پس هر کس بیعت شکند بی تردید بر ضد خودش می شکند و هر کس وفا کند به آنچه با خداوند بر آن پیمان بسته پس خدا به زودی پاداش بزرگی به او می دهد}.

[تبلیغ فریضه حج]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَ {الصَّفا وَ الْمَرْوةَ} وَ الْعُمْرَةَ {مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ} ۱۰۹.

ای مردم! همانا حج و {صفا و مروه} و عمره از نشانه‌های خداوند است پس هر کس حج خانه (خدا) نماید یا عمره گزارد پس حرجی بر او نیست که به آن دو (بین صفا و مروه) طواف (سعی) کند و کسی که (علاوه بر واجب) به دلخواه، کار خوبی افزایش دهد پس همانا خداوند (با پاداش نیک) سپاسگزار و (به نیت‌ها) داناست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا، وَ لَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا.

ای مردم! حج خانه خدا گزارید پس اهل خانه‌ای وارد خانه خدا نشود مگر آنکه بی‌نیاز گردد و از آن روی گردان نمی‌شود مگر آنکه نیازمند گردد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتُؤْنِفَ عَمَلُهُ

ای مردم! هیچ مؤمنی به موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نکند مگر آنکه خداوند برای گناه گذشته‌اش تا آن زمان آمرزش قرار دهد، پس هرگاه اعمال حجش پایان یابد عملش را از نو آغاز کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ مُعَاوُنُونَ^{۱۱۰} وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ وَ اللَّهُ {لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ}^{۱۱۱}.

ای مردم! حاجیان کمک می‌شوند و هزینه‌هایشان جبران می‌گردد و خداوند {پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا النَّيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ،
ای مردم! حج خانه خدا گزارید با دین کامل و فهم عمیق،

وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ^{۱۱۲}.
و از آن مشاهد بر نگردید مگر با توبه و دست کشیدن از گناه.

[تبلیغ نماز و روزه و امر به معروف و نهی از منکر]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! {أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ}^{۱۱۳} كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ،

ای مردم! {نماز را برپا دارید و زکات را پراخت نمایید}
همانطور که خداوند عزوجل شما را فرمان داده،

لَئِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيَّكُمْ وَ مُبَيَّنٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدِي وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَ مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

و اگر زمان درازی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید پس علی صاحب اختیار شماست و برای شما بیان می‌کند، او که خداوند عزوجل پس از من او را منصوب نموده است و کسی که خداوند او را جانشین من و او قرار دهد به آنچه شما

از آن می پرسید، پاسخ می دهد و برای شما آنچه را نمی دانید بیان می کند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا،
فَأُمِرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْتَهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ،

هشدارید! همانا حلال و حرام بیشتر از آن است که بشمارم و بشناسانم و در یک مجلس به حلال امر کنم و از حرام نهی نمایم،

فَأَمَرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ
بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ
الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، أُمَّةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
الَّذِي يَقْضَى بِالْحَقِّ.

پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست دهم به پذیرش آنچه آورده‌ام از جانب خداوند عزوجل درباره امیر مؤمنان علی و امامان پس از او که آنان از نسل من و اویند،

امامانی قیام کننده تا روز قیامت که مهدی از ایشان است آنکه به حق قضاوت می کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ.

ای مردم! و هر حلالی که شما را بر آن راهنمایی کردم یا حرامی که شما را از آن بازداشتم پس همانا من از آن برنگشته و جایگزین نکرده‌ام.

أَلَا! فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ وَلَا تَبْدُلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ.

هشدارید! پس آن را به یاد داشته باشید و حفظ کنید و همدیگر را به آن سفارش کنید و جایگزین قرار ندهید و دگرگونش نکنید.

أَلَا! وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ:

هشدارید! و همانا من سخن را تکرار می‌کنم:

أَلَا! {فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ} ^{۱۱۴}، وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

هشدارید! {پس نماز را به پا دارید و زکات را بدهید}، و به معروف امر کنید و از منکر باز دارید.

أَلَا! وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضَرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّي، وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

هشدارید! و همانا اساس امر به معروف و نهی از منکر این است که به عمق سخن من برسید و آن را به کسی که حاضر نیست برسانید و او را به پذیرش آن امر کنید و از مخالفت آن باز دارید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و من است، و هیچ امر به معروفی و نهی از منکری نیست (تحقق نمی‌یابد) مگر همراه امام معصوم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ،

ای مردم! قرآن شما را شناخت می دهد به اینکه همانا امامان
پس از من فرزندان علی هستند،

وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:
و شما را شناساندم که همانا علی از من است و من از اویم از
آن جهت که خداوند در کتابش می گوید:

{وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ} ^{۱۱۵}،
{و آن را کلمه ای پایدار در نسل او قرار داد}.

وَقُلْتُ: لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا.
و من گفتم: مادامی که شما به دامن قرآن و عترت چنگ زنید،
هرگز گمراه نگردید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! اتَّقُوا، اتَّقُوا، احذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ:

ای مردم! پرهیزگاری، پرهیزگاری، از قیامت پروا کنید همانطور
که خداوند عزوجل فرمود:

{إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ} ^{۱۱۶}،
{همانا زلزله قیامت چیزی بزرگ است}،

اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمَحَاسِبَ بَيْنَ يَدَيِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ،

مرگ و حساب و ترازوها (ی اعمال) و حسابرسی در برابر
پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را یاد کنید،

فَ{مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ} ^{۱۱۷} أَثِيبُ عَلَيْهَا،

پس {هرکس نیکی آورد} بر آن پاداش داده شود،

{وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ} ^{۱۱۸} فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

{و کسی که بدی آورد} پس برایش بهره‌ای از بهشت نیست.

[بیعت با ولایت]

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدَةٍ، وَ
قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخْذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ
لِعَلِيِّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ،
عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ،

ای مردم! همانا شما بیشتر از آن هستید که یک یک با من
دست دهید،

و براستی خداوند عزوجل مرا فرمان داده که از زبان‌هایتان اقرار
گیرم به آنچه محکم کردم برای علی به عنوان امیر مؤمنان و برای
کسی که پس از او آید از امامان از نسل من و او،

بنا بر آنچه به شما اعلام نمودم به اینکه همانا دودمان من از
نسل علی است.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا
بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرِ وَلَدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنْ

الأئمة،

پس همه شما بگویید: همانا ما گوش فرا می دهیم و اطاعت می کنیم و رضایت داریم و گردن می نهیم برای آنچه تبلیغ کردی از جانب پروردگارمان و پروردگارت درباره کار علی و فرزندان او از نسلش از امامان،

نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَآلِسِتْنَا وَآيَدِينَا،
با تو بیعت می کنیم بر آن، با دل هایمان و جان هایمان و زبان هایمان و دستانمان،

عَلَى ذَلِكَ نَحْيَا وَنَمُوتُ وَنُبْعَثُ،
بر آن زندگی می کنیم و می میریم و (در قیامت) برانگیخته می شویم،

وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ،
و تغییر نمی دهیم و جایگزین نمی کنیم و شک و تردید نمی نماییم و از پیمان بر نمی گردیم و میثاق را نمی شکنیم،

نُطِيعُ اللَّهَ وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صَلَهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،
خداوند را و تو را و علی امیرمؤمنان و فرزندان او را اطاعت می کنیم، امامانی را که از دودمانت از نسل علی پس از حسن و حسین یادآور شدی،

الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتَكُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتُهُمَا

مَنْ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ، فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ، وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ،
حَسَنٌ وَحُسَيْنِي كَهَ بَرَاةِي مَنْزِلَتْ وَمَقَامُ إِيشَانِ رَا نَزْدِ مَنْ وَ
نَزْدِ پُروردگار عزوجلّم به شما شناساندم،

پس آن مطلب را به شما ادا کردم و همانا حسن و حسین آقای
جوانان اهل بهشتند،

و همانا حسن و حسین پس از پدرشان علی، امامند و من پیش
از علی پدرشان هستم،

وَقُولُوا: أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَّا خُوذَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
قُلُوبِنَا وَانْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَمُصَافَقَةِ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ
أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ^{۱۱۹}، وَلَا نَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا، وَلَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا
عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا،

و بگوئید: با این اقرار که برای امیرمؤمنان از ما گرفتی از خدا،
تو، علی، حسن، حسین و امامانی که یاد کردی فرمان بردیم، از
عهد و پیمانی که برای امیرمؤمنان از دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و
دست بیعت دادنمان گرفته شده بود.

البته کسی که با دستش این عهد و پیمان را دریابد و با زبانش
به این عهد و پیمان اعتراف کند.

و جایگزینی به جای علی نمی‌طلبیم و هرگز از آن تغییری از
خودمان نمی‌بینیم،

أَشْهَدُنَا اللَّهُ {وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا} ١٢٠، وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ،
وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ، وَمَلَائِكَةُ اللَّهِ وَجُنُودُهُ وَ
عَبِيدُهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ.

و خدا را گواه می گیریم {و گواهی خدا کافی است} و بر ما
به این گواهی، تو و همه کسانی که اطاعت کرده اند از کسانی
که چه آشکار باشند و چه نهان و فرشتگان و لشکرهای خدا
و بندگان، گواه است و خداوند از هر گواهی دهنده ای بزرگتر
است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ
كُلِّ نَفْسٍ،

ای مردم! چه می گوید؟ پس همانا خداوند هر صدایی و نهان
هر کس را می داند،

فَمَنْ اهْتَدَى فَـ{لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا}، ١٢١
پس هر کس هدایت شود پس کُبه سود خودش است و
هر کس گمراه شد پس بی تردید بر ضد خودش گمراه می شود،

وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ {اللَّهُ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ} ١٢٢.
و هر کس بیعت کند پس بی تردید بیعت می کند با {خداوند،
دست خدا بالای دستان آنهاست}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ
وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كُلِّمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً،
ای مردم! پس خدا را پروا کنید و با علی امیر مؤمنان و حسن و

حسین و امامان که کلمه پاکیزه پایدارند بیعت کنید،

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى،

خداوند کسی را که بی وفایی کند نابود می کند و کسی را که وفانماید رحم می نماید،

و {فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا} ۱۳۳.

و {هر کس پیمان شکند پس بی تردید بر ضدّ خودش پیمان می شکند و کسی که به آنچه با خداوند بر آن عهد کرده وفانماید پس به زودی خداوند او را پاداش بزرگی می دهد}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ،
ای مردم! بگویند آن را که برایتان گفتم،

و سَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ يَا مَرْءَةَ الْمُؤْمِنِينَ،
و بر علی به عنوان امیر مؤمنان سلام دهید،

و قُولُوا: {سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ} ۱۳۴،
و بگویند: {شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! ما بخششت را خواهیم و بازگشت به سوی توست}،

و قُولُوا: {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ، وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ} ۱۳۵.

و بگویند: {حمد مخصوص خداوندی است که ما را برای

این هدایت کرد و ما هدایت یافته نبودیم اگر خدا هدایت‌مان نکرده بود، براستی که فرستادگان پروردگار ما به حق آمده‌اند، و ندا داده شدند: این است بهشتی که به ارث بردید به خاطر آنچه عمل می‌کردید!.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا فَصَدَّقُوا.

ای مردم! همانا برتری‌های علی بن ابی طالب (ع) نزد خدا که در قرآن نازل نموده، بیشتر از آن است که بتوانم آن را یکجا شمارش کنم، پس هر کس شما را به آن خبر داد و شناساند پس او را تصدیق نمایید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ^{۱۲۶} وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا^{۱۲۷}.

ای مردم! هر کس اطاعت می‌کند خدا و رسولش {و علی و امامان را که یاد کردم {پس به راستی به رستگاری بزرگی رستگار شده}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! {السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ}^{۱۲۸} إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ {أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ}^{۱۲۹} {فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ}^{۱۳۰}.

ای مردم! {پیشتازان، پیشتازان} به بیعت نمودن و ولایت پذیری و سلام کردن بر علی به عنوان امیر مؤمنان {آنان همان رستگارانند} {در بهشت‌های پر نعمت}.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا {١٣١} فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا {١٣٢}.

ای مردم! بگوئید آنچه خداوند به آن از شما خشنود می شود پس {اگر شما و تمام کسانی که در زمینند کافر شوید} {پس هرگز چیزی به خداوند زیان نمی رساند}.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ،
خداوند! برای مؤمنان آمرزش قرار ده، و بر کافران خشم گیر،
{وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} {١٣٣}.
{و حمد مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است}.

[بیعت و اقرار مردم]

فَنَادَاهُ الْقَوْمُ:

پس مردم رسول خدا ﷺ را ندا دادند:

سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا
وَ أَيْدِينَا،

شنیدیم و بر فرمان خدا و رسولش با دل هایمان و زبان هایمان
و دستانمان، فرمانبرداریم،

وَ تَدَاكُوا ﷺ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

و بر رسول خدا ﷺ و علی (ع) ازدحام آوردند،

فَصَافِقُوا بِأَيْدِيهِمْ،

پس با دستانشان بیعت کردند،

فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ صَافَقَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَوَّلُ وَ
الثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ وَالْخَامِسُ وَبَاقِي الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ
وَبَاقِي النَّاسِ عَلَى طَبَقَاتِهِمْ وَقَدَرِ مَنَازِلِهِمْ، إِلَى أَنْ صَلَّيْتُ
الْمَغْرَبَ وَالْعَتَمَةَ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَوَصَلُّوا الْبَيْعَةَ وَالْمُصَافَقَةَ
ثَلَاثًا، وَرَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ كُلَّمَا بَايَعَ قَوْمٌ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا
عَلَى} ﷺ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

پس نخستین کسانی که با رسول خدا ﷺ بیعت کردند، اولی
و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی بودند و سایر مهاجران و
انصار و دیگر مردم به ترتیب قدر و منزلت خویش، همگان بیعت
کردند تا هنگام نماز مغرب و عشاء که هر دو در یک زمان اقامه
شد و تا سه روز بیعت و دست در دست نهادن را ادامه دادند، و
هر گاه گروهی بیعت می کردند، رسول خدا ﷺ می فرمود: {حمد
مخصوص خداوندی است که برتری داده ما را بر} تمام جهانیان.

وَ صَارَتْ الْمُصَافَقَةُ سُنَّةً وَرِسْمًا وَرُبَّمَا يَسْتَعْمِلُهَا مَنْ لَيْسَ
لَهُ حَقُّ فِيهَا.^{۱۳۶}

و از همین جا دست دادن هنگام بیعت سنت و رسم شد، و
چه بسا این سنت را کسی انجام داد که برای او در آن بیعت هیچ
حقی نبود!

پاورقی

۱. أبو منصور، احمد بن علی بن أبی طالب طبرسی، (متوفی ۵۸۸ هـ.ق) رحمة الله عليه.

۲. مهدي بن الحسن بن أبی الحرب المرعشي، عده المحقق الوحيد من أجلاء الطائفة، ومن مشايخ الاجازة من مشايخ الطبرسي، وقد وصف بالعالم العابد العادل الموثق، يروي عن الشيخ الصدوق أبی عبد الله جعفر بن محمد بن أحمد الدورستي عن أبيه عن الشيخ أبی جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه القمي. راجع (رجال المامقاني: ۳/۲۶۱، وكشكول البحرائي: ۱/۳۰۱).

۳. الشيخ أبو علی الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، كان عالما فاضلا فقيها محدثا جليلا ثقة، له كتاب الأمالي وشرح النهاية، قرأ علی والده جميع تصانيفه وإليه ينتهي أكثر الاجازات عن الشيخ الطوسي تنقيح المقال ۱-۳۰۶.

۴. شيخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي ولد في شهر رمضان سنة ۳۸۵ و قدم العراق سنة ۴۰۸ و بقي في بغداد مدة ثم هاجر الى النجف الأشرف و بقي الى ان توفي ليلة الاثنين الثاني والعشرين من محرم سنة ۴۶۰، كان جهيزة من جهابة الإسلام و عظيما من عظماء امة محمد صلى الله عليه وآله صف في علوم عصره فكانت مصنفاته هي الام والمرجع، و لم يجرأ على الافتاء بعده أحد من علماء الشيعة الى سنين متمادية لقوته في الفقه و اضطلاعه في العلوم الإسلامية و كان فضلاء تلامذته الذين كانوا مجتهدين من الخاصة يزيدون على ثلاثمائة. الكني والألقاب ۲/۳۵۷-۳۵۹.

۵. أبو محمد هارون بن موسى الشيباني ثقة جليل القدر عظيم المنزلة واسع الرواية عديم النظير وجه أصحابنا معتمد عليه لا يطعن عليه في شيء توفي سنة ۳۸۵. الكني والألقاب ۲/۱۰۸.

۶. أبو علی محمد بن أبی بكر همام بن سهيل الكاتب الإسكافي شيخ أصحابنا و متقدمهم، له منزلة عظيمة، كثير الحديث، ولد يوم الاثنين ۶ ذي الحجة سنة ۲۵۸ و توفي يوم الخميس ۱۹ جمادى الثانية سنة ۳۳۶ رجال النجاشي ص ۲۹۴.

۷. معجم رجال الحديث ج: ۲۲ ص: ۴۱: ۱۴۷۸۲ - أبو محمد العلوي

من ولد الأفطس: روى عن محمد بن موسى الهمداني و روى عنه على السورى،
و قال: و كان (أبو عبد الله العلوى) من عباد الله الصالحين، ذكره الطبرسى فى
احتجاج النبى صَلَّى الله عَلَيْهِ وَ آله يوم الغدير.
أقول: الظاهر أن هذا غير يحيى المكنى أبا محمد العلوى، و ذلك
لاختلاف الطبقة.

٨. يحيى المكنى أبا محمد العلوى من بنى زيارة علوى سيد متكلم فقيه
من أهل نيشابور له كتب كثيرة، منها كتاب فى المسح على الرجلين فى ابطال
القياس و كتاب فى التوحيد. رجال النجاشى ص ٣٤٥.

٩. محمد بن موسى بن عيسى أبو جعفر الهمداني السمان، ضعفه القميون
بالغلو له كتاب ما روى فى أيام الأسبوع و كتاب الرد على الغلاة رجال
النجاشى ص ٢٦٠ و أقول: كيف يقال فى هذا انه غال مع العلم ان من مؤلفاته
كتاب الرد على الغلاة - فلاحظ.

١٠. أبو عبد الله محمد بن خالد الطيالسى التميمى كان يسكن بالكوفة فى
صحراء جرم، له كتاب نوادر، مات ليلة الأربعاء ٢٧ جمادى الثانية سنة ٢٥٩
و هو ابن ٩٧ سنة تنقيح المقال ١١٤/٣.

١١. سيف بن عميرة النخعى عربى ثقة كوفى، روى عن أبى عبد الله و ابى
الحسن عليهما السلام له كتاب يرويه جماعات من أصحابنا رجال النجاشى
ص ١٤٣.

١٢. صالح بن عقبة بن قيس بن سمعان بن أبى ريحة مولى رسول الله صَلَّى
الله عليه و آله، قيل انه روى عن أبى عبد الله عليه السلام، له كتاب يرويه
جماعة منتهى المقال ص ١٦٣.

١٣. معجم رجال الحديث ج: ١٤ ص: ٩٥: ٩٦٥٤ - قيس بن سمعان:
روى عنه ابنه عقبة، ذكره النجاشى فى ترجمة صالح بن عقبة بن قيس.

١٤. علقمة بن محمد الحضرمى هو أخو عبد الله بن محمد الحضرمى.
رجال الكششى ص ٣٥٤.

١٥. آل عمران: ٩٧

١٦. كراع الغميم: موضع بالحجاز بين مكة و المدينة امام عسافن بثمانية
أميال و هذا الكراع جبل اسود فى طرف الجرة يمتد إليه. مراصد الاطلاع
٣- ١١٥٣.

۱۷. کراع الغمیم: کراع یعنی کرانه و کناره و کراع الغمیم در هشت میلی منطقه عسفان و میان مکه و مدینه است. رک. به: معجم البلدان، یاقوت، صفحه ۲۲۶، جلد ۷، چاپ مصر. م.

۱۸. غدیر: ما غودر من ماء المطر فی مستنقع صغیر او کبیر غیر انه لا یبقی فی القیظ. و خم: قیل رجل، و قیل غیظۃ، و قیل موضع تصب فيه عين، و قیل بئر قریب من المیشب حفرها مرة بن کعب، نسب إلى ذلک غدیر خم، و هو بین مکه و المدینة، و قیل علی ثلاثة أمیال من الجحفة، و قیل علی میل، و هناک مسجد، للنبی. مراصد الاطلاع ۱/ ۴۸۲، ۲/ ۹۸۵.

۱۹. الجحفة: كانت قرية كبيرة ذات منبر علی طریق مکه علی أربع مراحل.. و كان اسمها مهيعة و سميت الجحفة لأن السيل جحفها، و بينها بین البحر ستة أمیال. مراصد الاطلاع ۱/ ۳۱۵.

۲۰. جحفه: جایی نزدیک رابع و میقات مصریان و خالی از سکنه است. رک. به: تقویم البلدان، صفحه ۱۱۱، ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی. م.

۲۱. المائدة: ۶۷

۲۲. المائدة: ۶۷

۲۳. آی یکنس ما تحتهن.

۲۴. الطلاق: ۱۲

۲۵. السمک: السقف، أو من أعلى البيت إلى أسفله، والغاية من كل شیء، و المقصود هنا السماوات و ما فيها.

۲۶. آل عمران: ۱۸

۲۷. الأنعام: ۱۰۳

۲۸. الحشر: ۲۲ و ۲۳

۲۹. الرعد: ۲؛ فاطر: ۱۳؛ الزمر: ۵

۳۰. کور الشیء: إدارته، ضم بعضه الی بعض ککور العمامة، و یکور اللیل علی النهار و یکور النهار علی اللیل: إشارة الی جریان الشمس فی مطالعها و انتقاص اللیل و النهار و ازديادهما.

۳۱. الزمر: ۵

۳۲. الإخلاص: ۳ و ۴

۳۳. التغابن: ۱

۳۴. المائدة: ۱۲۰؛ هود: ۴؛ الروم: ۵۰؛ الشورى: ۹؛ الحديد: ۲؛ التغابن

۱: الملك: ۱

۳۵. الحج: ۶۱؛ لقمان: ۲۹؛ فاطر: ۱۳؛ الحديد: ۶

۳۶. الزمر: ۵

۳۷. القارعة: الداهية والنكبة المهلكة.

۳۸. المائدة: ۶۷

۳۹. المائدة: ۶۷

۴۰. المائدة: ۵۵.

۴۱. الإذغال: المخالفة والخيانة، وادغل في الأمر: ادخل فيه ما يفسده.

۴۲. الختل: الخديعة.

۴۳. الفتح: ۱۱

۴۴. النور: ۱۵

۴۵. الاذن بضميتين: الرجل المستمع لما يقال له.

۴۶. التوبة: ۶۱

۴۷. التوبة: ۶۱.

۴۸. المائدة: ۶۷

۴۹. المائدة: ۶۷

۵۰. مأخوذ من قوله تعالى: {وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ} يس: ۱۲؛

{وهر چیز را در امام روشنگر جمع نمودیم}.

۵۱. يونس: ۳۵؛ الأحقاف: ۳۰

۵۲. البقرة: ۲۴

۵۳. القصص: ۷۰

۵۴. الحشر: ۱۸

۵۵. النحل: ۹۴

۵۶. المائدة: ۸؛ النور: ۵۳؛ الحشر: ۱۸

۵۷. الزمر: ۵۶

۵۸. ق: ۲۹

۵۹. اشارة الى: المائدة: ۳

۶۰. آل عمران: ۸۵

۶۱. آل عمران: ۲۲

۶۲. البقرة: ۳۹؛ البقرة: ۸۱؛ البقرة: ۲۱۷؛ البقرة: ۲۵۷؛ البقرة: ۲۷۵؛
آل عمران: ۱۱۶؛ الأعراف: ۳۶؛ یونس: ۲۷؛ الرعد: ۵؛ المجادلة: ۱۷؛

۶۳. البقرة: ۱۶۲؛ آل عمران: ۸۸

۶۴. الإنسان: ۱

۶۵. النور: ۵۴؛ العنكبوت: ۱۸

۶۶. آل عمران: ۱۰۲

۶۷. التغابن: ۸

۶۸. الأعراف: ۱۵۷

۶۹. النساء: ۴۷

۷۰. آل عمران: ۱۴۴

۷۱. التوبة: ۵۲

۷۲. الفجر: ۱۴

۷۳. القصص: ۴۱

۷۴. النساء: ۱۴۵

۷۵. النحل: ۲۹

۷۶. وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله نام «اصحاب صحیفه» را آورد بیشتر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند. زیرا این کلام اشاره‌ای رمز آلود به ماجرای «سقیفه» دارد که نطفه آن در حجة الوداع با امضای صحیفه ملعونه توسط منافقین در مکه منعقد شد؛ لذا تنها مجریان سقیفه منظور آن حضرت را فهمیدند.

۷۷. الرحمن: ۳۱

۷۸. الرحمن: ۳۵

۷۹. آل عمران: ۱۷۹

۸۰. هود: ۱۰۲؛ الحج: ۴۵؛ الحج: ۴۸

۸۱. الصافات: ۷۱

۸۲. المرسلات: ۱۶-۱۹

۸۳. اشاره الى هذه الآية: الأنعام: ۱۵۳ {وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ}.

۸۴. الأعراف: ۱۵۹ و ۱۸۱

۸۵. یونس: ۶۲

۸۶. المائدة: ۵۶

۸۷. منافق کسی است که کفر خود را پنهان می کند و خوش را با ایمان جلوه می دهد.

۸۸. الأنعام: ۱۱۲

۸۹. المجادلة: ۲۲

۹۰. أى یستروا ایمانهم بظلم، فان اللبس فى الأصل بمعنی الستر.

۹۱. الأنعام: ۸۲

۹۲. النساء: ۱۲۴؛ الأعراف: ۴۰؛ مريم: ۶۰؛ غافر: ۴۰

۹۳. الأنبياء: ۱۰۳

۹۴. هذا المضمون مأخوذ من قوله تعالى: {وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ}. الزمر: ۷۳.

۹۵. مأخوذ من قوله تعالى: {فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ}. غافر: ۴۰.

۹۶. مأخوذ من قوله تعالى: {فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ}. غافر: ۴۰.

۹۷. مأخوذ من قوله تعالى: {فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا* وَيَصْلَى سَعِيرًا}. الانشقاق: ۱۲.

۹۸. الملك: ۷

۹۹. إشارة الى قوله تعالى: {إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا}. الفرقان: ۱۲.

۱۰۰. الأعراف: ۳۸

۱۰۱. الملك: ۸-۹

۱۰۲. الملك: ۱۲

۱۰۳. الرعد: ۷

۱۰۴. الرعد: ۷

۱۰۵. غرف الماء بيده: أخذه بها، و هذا إشارة الى ما أخذه عليه السلام

من علوم النبی صلی الله علیه و آله الكثيرة التي هي كالبحر العميق الذي لم يصل الناس الى أعماقه.

١٠٦. يسم الشيء: يجعل له علامة يعرف بها.

١٠٧. صفق يده بالبيعة، و صفق على يده: ضرب يده على يده، و المصافحة: المبايعة.

١٠٨. الفتح: ١٠، و نكث العهد و البيع: نقضه و نبذه.

١٠٩. البقرة: ١٥٨

١١٠. و معاونون: مساعدون، و مخلفة: معوضة.

١١١. التوبة: ١٢٠؛ هود: ١١٥؛ يوسف: ٩٠

١١٢. الاقلاع: الترك، و المراد منه هنا ترك الذنوب.

١١٣. البقرة: ٤٣؛ البقرة: ٨٣؛ البقرة: ١١٠؛ النساء: ٧٧؛ الحج: ٧٨؛

النور: ٥٦؛ المزمل: ٣٠

١١٤. المجادلة: ١٣

١١٥. الزخرف: ٢٨

١١٦. الحج: ١.

١١٧. الأنعام: ١٦٠؛ النمل: ٨٩؛ القصص: ٨٤

١١٨. الأنعام: ١٦٠؛ النمل: ٩٠؛ القصص: ٨٤

١١٩. الضمير في ادر كهما و أقربهما عائدان على العهد و الميثاق، و تقدير الكلام: قولوا أطعنا الله بالذي ذكرت من العهد و الميثاق المأخوذين لأمر المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ، فمن ادر ك منا العهد و الميثاق في هذا الاجتماع صافق بيده، و أقرّ بالعهد و الميثاق بلسانه.

و في العبارة ارتباك ربما يكون ناشئاً من سقوط بعض الألفاظ لدى النسخ.

١٢٠. النساء: ٧٩؛ النساء: ١٦٦؛ الفتح: ٢٨

١٢١. يونس: ١٠٨؛ الإسراء: ١٥؛ الزمر: ٤١

١٢٢. الفتح: ١٠

١٢٣. الفتح: ١٠

١٢٤. البقرة: ٢٨٥

١٢٥. الأعراف: ٤٣

١٢٦. النساء: ١٣؛ النور: ٥٢؛ الأحزاب: ٧١؛ الفتح: ١٧

١٢٧. الأحزاب: ٧١

١٢٨. الواقعة: ١٠

١٢٩. التوبة: ٢٠

١٣٠. يونس: ٩؛ الحج: ٥٦؛ الصافات: ٤٣؛ الواقعة: ١٢

١٣١. إبراهيم: ٨

١٣٢. آل عمران: ١٤٤

١٣٣. الأنعام: ٤٥؛ الصافات: ١٨٢

١٣٤. تداكوا عليه: از دحموا عليه.

١٣٥. النمل: ١٥

١٣٦. الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)؛ ج ١؛ ص ٥٥. طبرسي، احمد بن علي، الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ٢ جلد، نشر مرتضى - مشهد، چاپ: اول، ١٤٠٣ ق.

- روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، [ابو علي محمد بن حسن بن علي بن احمد بن علي فتال نيشابوري، معروف بابن فتال و ابن فارسي، (شهادت: ٥٠٨ هجري قمری)] (ط - القديمة)؛ ج ١؛ ص ٨٩؛ فتال نيشابوري، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)، ٢ جلد، انتشارات رضی - ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٣٧٥ ش.

- اليقين باختصاص مولانا على عليه السلام بإمرة المؤمنين، [السيد رضی الدين على بن طاووس الحلّي (٥٨٩ - ٦٦٤ هجري قمری)]؛ النص، ص: ٣٤٣ ب: ١٢٧؛ الباب فيما ذكره عن هذا أحمد بن محمد الطبري المعروف بالخليلي من روايته للكتاب الذي أشرنا إليه في حديث يوم الغدير و تسمية مولانا على عَلَيْهِ السَّلَامُ فيه مرارا بلفظ أمير المؤمنين:

نرويه برجالهم الذين ينقلون لهم ما ينقلونه من حرامهم و حلالهم و الدرک فيما ذكره عليهم و فيه ذكر المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ و تعظيم دولته و هذا لفظ الحديث المشار إليه خطبة رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطَّبْرِيُّ قَالَ:

أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ:

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ أَبُو مُحَمَّدٍ الدِّينَوْرِيُّ قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيُّ قَالَ:

حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ:

عَنْ عُقْبَةَ:

عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ:

عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ...». ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، ۱ جلد، دار الكتاب - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

- بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۳۷؛ ص ۲۰۱ ح ۸۶؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.